

## تبیین متن‌بودگی سکونتگاه‌های مسالهدار شهری (مطالعه موردی: محله اسلام آباد شهر زنجان)

سعید نجفی (دکتری تخصصی جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

najafy\_saied@znu.ac.ir

محسن احدنژاد روشنی (دانشیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران، نویسنده مسئول)

ahadnejad@znu.ac.ir

محمدتقی حیدری (استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه زنجان، زنجان، ایران)

mt.heydari@znu.ac.ir

تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۹

صص ۱-۱۹

### چکیده

نگاه فرکلاف به متن، آشکارسازی گفتمان‌های مستتر و آگاهی زبانی انتقادی به مصرف‌کنندگان متون است. در این میان سکونتگاه‌های مسالهدار به عنوان جزئی از متن شهر و بازتاب نظریه‌های اجتماعی، نیازمند بررسی معیارهای متن‌بودگی آموزه‌های زبان شناختی هستند. بر این اساس این مقاله نشان خواهد داد که مؤلفه‌های متن‌بودگی در سکونتگاه‌های مسالهدار چگونه بوده و این سکونتگاه‌ها متاثر از چه گفتمان‌هایی هستند. در این پژوهش با توجه به اهداف و تناسب نیاز از سطح تبیین استفاده شده است. متن سکونتگاه‌های مسالهدار با توجه به ویژگی‌های متن‌بودگی بررسی شده، سپس تعلق گفتمانی این سکونتگاه‌ها به فرایندهای اجتماعی و نهادی ارائه شده است. جهت بررسی تأثیر شاخص‌های متن‌بودگی از مدل DPSIR و آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. یافته‌ها نشان داد تقابل ساختارهای زبانی سکونتگاه‌های مسالهدار در متن شهر با مفاهیم متفاوتی معنا شده که آمال و خواسته‌های ساکنان را به نمایش می‌گذارد و شاخص‌های انسجام و پیوستگی بیشترین تأثیر را در متن‌بودگی سکونتگاه‌های مسالهدار دارند. همچنین در فرایند تعلق گفتمانی، منازعه میان قدرت نرمال نهادهای موجود و گروه‌های فاقد قدرت است. هدیریت محلی به عنوان بخش مغلوب و اهرم موثر، تحت تأثیر حقایق پنهان بواسطه ناآگاهی، عدم تناسب درآمد و هزینه‌های مسکن و ساخت و ساز غیرقانونی، نقش قابل توجهی در این سکونتگاه‌ها داشته‌اند. می‌توان گفت که این سکونتگاه‌ها سوغات همیشگی شهرها هستند اما تسلط گفتمان‌های مبتنی بر سرمایه‌داری، خطرات مهم و ناملایمات زندگی برای قشر عظیمی از این ساکنان و تضمین امنیت معیشت آنها را در نظر نمی‌گیرند.

**کلیدواژه‌ها:** سکونتگاه‌های مسالهدار، فرکلاف، متن‌بودگی، محله اسلام آباد شهر زنجان.

## ۱. مقدمه

هر پدیده زبانی به طور همزمان به عنوان یک متن، یک عمل استدلالی و یک عمل اجتماعی به حساب می آید. بُعد متنی به بررسی زبان‌شناسی متن مرتبط است. بُعد استدلالی به مراحل تولید و درک متن، و در بُعد اجتماعی، بررسی مسائل اجتماعی دخیل از جمله شرایط اجتماعی و سازمانی پدیده و چگونگی ایجاد تغییر شکل توسط شرایط اجتماعی در پدیده زبانی مدنظر است (فرکلاف<sup>۱</sup>، ۱۹۹۲). آنچه که بر ارتباط میان زبان و شرایط اجتماعی تمرکز داشته، تحلیل گفتمان می‌باشد. اصطلاح گفتمان به عنوان یک عنصر از زندگی اجتماعی است که مطالعات رشته‌های مختلفی چون ادبیات، زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه و ... را دربرمی‌گیرد (تیسچر<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). به باور فرکلاف تحلیل گفتمان مبتنی بر این فرض است که زبان بخشی غیرقابل‌انکار از زندگی اجتماعی است که به صورت دیالکتیکی با دیگر عناصر زندگی اجتماعی بهم پیوسته است (فرکلاف، ۱۹۹۳). پیوستگی گفتمان‌ها با عناصر زندگی اجتماعی در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است. در تحلیل گفتمان انتقادی، موضوع اصلی پرکتیس‌های گفتمانی و زبانی هستند که هم بازنمایی‌هایی از جهان، سوژه‌های اجتماعی و روابط اجتماعی را بر ملا می‌سازند و هم در پیشبرد منافع گروه‌های اجتماعی خاص، نقش ایفا می‌کنند. به باور فرکلاف رخدادها و متون از دل مناسبات قدرت بیرون می‌آیند و وارد مبارزات قدرت می‌شوند. از این منظر هدف تحلیل گفتمان انتقادی این است که نقش پرکتیس‌های گفتمانی، متون و رخدادهای ارتباطی را در حفظ و بقا و یا تغییر جهان اجتماعی موجود نشان دهد. طرفداران تحلیل گفتمان انتقادی معتقدند که میان متن، پرکتیس‌های گفتمانی و ساختارهای اجتماعی رابطه‌ای پیچیده برقرار است که برای شناخت آن باید از برداشت ساده‌انگارانه و سطحی میان متن و جامعه فراتر رفت (فرکلاف، ۱۹۹۲). در این میان شهر به عنوان یک جامعه متنی؛ مجموعه‌ای از همان عناصری است که در زبان شامل مجموعه کلمه‌ها می‌شود. چنین تعبیری از شهر به مثابه متن توسط اندیشمندان مورد توجه بوده است. به عنوان مثال هوگو<sup>۳</sup>، لوکلزیو<sup>۴</sup> و پرک<sup>۵</sup> شهر را مانند کتابی می‌دانند که در مقابل خوانندگان (شهروندان) گشوده شده‌اند. بارت<sup>۶</sup> اعتقاد دارد که معماری نمادین معنادار در شهر مانند بازی با زبان است. از طرف دیگر خوانش شهر براساس این محرکه‌ها نیازمند بکارگیری بالاترین سطح تبیین در رویکرد زبان شناختی می‌باشد. امروزه یکی از بافت‌های شهری که محصول گفتمان‌های مسلط بوده و بیش از پیش نیازمند تبیین بوده؛ سکونتگاه‌های مسأله‌دار می‌باشند. سکونتگاه‌های مسأله‌دار بازتابی از فضاهای فریبده برای تعامل، اجرای ساختار دستوری در شهر، بازتاب تصویر ذهنی مردمان، بازتاب کنشگرانی هستند که از نشانه‌های سازمان نیافته‌ای شکل گرفته و نیازمند رمززدایی و بازخوانی خواهند بود. ترکیب توأمان عوامل بر کیفیت زندگی آنها تأثیر گذاشته و به تعبیر ساده ادراک و تصویری نامناسبی از این فضاها ارائه کرده است. این فضاها دربرگیرنده بسیاری

1. Fairclough
2. Titscher
3. Hogo
4. Loklzio
5. Perk
6. Bart

از گروه‌ها، نهادها، روابط قدرت، شیوه‌ها و گفتمان‌هایی هستند که که "در سایه" شهر رسمی، برنامه‌ریزی شده، سیستم حکومتی و ساختار اقتصادی غیرمولد و سوداگرایانه هستند (رفیعیان و همکار، ۱۳۹۸، ص. ۱). آنچه درباره‌ی این سکونتگاه‌ها گفته شده این است که این سکونتگاه‌ها در لایه‌های سطحی تحلیل، با ویژگی‌های منحصربه‌فرد در ذهن ساکنین و شهروندان توصیف شده‌اند. اما آنچه بایستی در نظر گرفت "بودن" و آنچه "بایستی باشند" است که معنای ظاهری گفتمان‌های مسلط را کنار زده و نظم مکنون در این سکونتگاه‌ها را عیان می‌نماید. چنین وظایفی از خصوصیات رویکردهای زبان شناختی برمی‌آید. براین اساس این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش است که مؤلفه‌های متن بودگی در سکونتگاه‌های مساله‌دار (محله اسلام آباد شهر زنجان) چگونه بوده و این سکونتگاه‌ها متأثر از چه گفتمان‌هایی است؟

در تبیین متن بودگی و تأثیر از گفتمان‌های مختلف، تمرکز بر رابطه زبان و جامعه به عنوان یک رابطه درونی و دیالکتیکی تأکید می‌شود. ماهیت درونی این رابطه حاکی از آن است که متون نتیجه‌ای از سازمان اجتماعی هستند، اما آنها می‌توانند به طور بالقوه این سازمان را متحول کنند. همچنین رویدادهای اجتماعی بستر و نتیجه ساختارهای اجتماعی هستند (باسکار<sup>۱</sup>، ۱۹۸۹؛ فرکلاف، ۲۰۰۰). این درک روابط بین زبان و جامعه در مجموعه‌ای از تعریف‌های تحلیل گفتمان انتقادی وجود دارد که ماهیت این رابطه بین زبان و جامعه به عنوان نقطه شروع برای مطالعات انتقادی گفتمان در نظر گرفته می‌شود (به عنوان مثال مراجعه شود به بلومهارت<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ فرکلاف، ۱۹۸۹؛ رزنده<sup>۳</sup>، ۲۰۰۹؛ ووداک و مایر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). این نوع از تحلیل گفتمان، به دنبال دستیابی به اهدافی چون؛ ساخت روابط آشکار بین رویه‌های گفتمان، کردارهای اجتماعی<sup>۵</sup> و ساختار اجتماعی (شیخ‌الاسلامی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴)، تمرکز روی مشکلات اجتماعی و مسائل سیاسی (ون‌دایک<sup>۷</sup>، ۱۹۹۸)، بررسی رابطه میان زبان و قدرت (ووداک، ۲۰۰۲، ص. ۶)، تغییر نابرابری‌ها، بی‌عدالتی‌ها، بیدادگری‌ها و فقدان دموکراسی در جامعه به وسیله بررسی کردار اجتماعی از طریق تحلیل گفتمان و کشف‌های اجتماعی است (باتیا<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی، همانند بسیاری از حوزه‌های مطالعاتی علوم اجتماعی و انسانی، رویکرد واحدی وجود ندارد. علیرغم وجود مفاهیم مشترک و اهداف یکسانی که در همه رویکردهای تحلیل گفتمان انتقادی به چشم می‌خورد، براساس تفاوت موجود در بنیان‌های نظری و ابزارهای تحلیل، می‌توان رویکردهای متفاوتی را در این حوزه مطالعاتی برشمرد که عبارتند از: رویکرد اجتماعی-شناختی تئون ون دایک (۲۰۰۲)، رویکرد جامعه-زبان‌شناسی وداک<sup>۹</sup> (۲۰۰۱)، رویکرد نشانه‌شناسی اجتماعی گانتز کرس و ون

1. Bhaskar
2. Blommaert
3. Resende
4. Woodak & Mayer
5. Social Practice
6. Sheyolislami
7. Van Dijk
8. Bhatia
9. Woodock

لیوون<sup>۱</sup> (۲۰۰۶)، رویکرد لاکلاو و موفه<sup>۲</sup> و روانشناسی گفتمانی (۲۰۱۰) و رویکرد فرکلاف<sup>۳</sup>، که گفتمان را به مثابه کردار اجتماعی در نظر می‌گیرد؛ اشاره کرد (محسنی، ۱۳۹۱، ص. ۶۵). فرکلاف، یکی از شخصیت‌های شاخص در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی است. در نگاه وی، تحلیل گفتمان انتقادی روشی است که در کنار سایر روش‌ها برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود. نکته‌ای برای فرکلاف اهمیت دارد، پافشاری بر این امر است که تحلیل گفتمان انتقادی، رویکردی «واقع‌گرایانه» است که ادعای وجود جهانی واقعی را دارد (فرکلاف، ۲۰۱۰، ص. ۵-۴). فرکلاف برای ارائه تحلیل مدنظر خود از ایدئولوژی، به معرفی مفهوم «صورت‌بندی‌های ایدئولوژیکی-گفتمانی» می‌پردازد. نهادهای اجتماعی مشتمل بر صورت‌بندی‌های ایدئولوژیکی-گفتمانی گوناگونی هستند که با گروه‌های مختلف موجود در نهاد در پیوندند. یکی از خصوصیات صورت‌بندی ایدئولوژیکی-گفتمانی مسلط، توانایی آن برای «طبیعی جلوه دادن» ایدئولوژی‌ها، برای جلب حمایت از آنان به عنوان «باورها و احساسات مشترک» غیرایدئولوژیکی است (همان، ص. ۳۰). بنابراین «نهادینه شدن» را می‌توان برای توصیف روندی به کار گرفت که در طی آن، گفتمان‌هایی که متعلق به طبقات یا گروه‌های مسلط هستند، مبدل به «گفتمان‌های مسلط» می‌شوند (بکر و الیس<sup>۶</sup>، ۲۰۱۱، ص. ۷۴).

مدل سه بعدی گفتمان انتقادی فرکلاف، چارچوبی است تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره‌ی ارتباطات و جامعه. هر نوع تحلیل گفتمان رخدادهای ارتباطی، باید ابعاد سه گانه را پوشش دهد. بنابراین، تحلیل گفتمان باید بر موارد زیر متمرکز شود: ۱. ویژگی‌های زبانی متن (متن)، ۲. فرایندهای مرتبط با تولید و مصرف متن (عمل گفتمانی)، ۳. عمل اجتماعی گسترده‌تری که آن رخداد ارتباطی به آن تعلق دارد (عمل اجتماعی). این مدل بیانگر این اصل است که متن را نمی‌توان در خلأ فهم یا تحلیل کرد؛ هر متنی را باید در رابطه با شبکه‌های سایر متون و در رابطه با بستر اجتماعی فهمید (محسنی، ۱۳۹۱، ص. ۷۶). طبق نظر محققان در تبیین تحقق متن‌بودگی باید ویژگی‌هایی در نظر گرفته شود، از جمله ویژگی‌هایی شامل پیوستگی<sup>۷</sup>، انسجام<sup>۸</sup>، نیت یا هدف مندی<sup>۹</sup>، قبولی یا پذیرفتگی<sup>۱۰</sup> و پیام‌رسانی<sup>۱۱</sup> می‌باشد (شعله، ۱۳۹۰، آفاگل‌زاده و افخمی، ۱۳۸۳، ص. ۹۷؛ بوگراند و درسلا<sup>۱۲</sup>، ۱۹۸۱، ص. ۳). لازم به ذکر است که ملاک‌های متن را نباید هم‌ارزش تلقی کرد. در این میان به نظر می‌رسد دو عامل انسجام و پیوستگی از اهمیت

1. Ganter & Van Leeuwen
2. Laclau & Mouffe
3. Fairclough
4. Realist
5. Generalization
6. Baker & Ellece
7. Cohesion
8. Coherence
9. Intentionality
10. Acceptability
11. Informativity
12. Beaugrande & Dressler

بیشتری برخوردار است. به قول درس‌لر و بوگراند، پیوستگی مربوط به نحوه اتصال اجزای سطحی متن<sup>۱</sup> است، یعنی کلمات واقعی که می‌شنویم یا می‌بینیم، در توالی متقابل هستند. همچنین هالیدی و حسن<sup>۲</sup> پیوستگی را به عنوان "مجموعه منابع زبانی که هر زبان برای پیوند بخشی از یک متن به متن دیگر" تعریف می‌کند؛ می‌دانند. بازخوانی مفهوم پیوستگی، برپایه سازمان کالبدی و پیوند فضایی میان عناصر شاخص مجموعه، از طریق یک رشته عناصر ارتباط دهنده استوار است. به عبارتی می‌توان گفت که وجود یک استخوان‌بندی تکامل یافته، بارز و واجد مقیاس در هم‌نشینی و ارتباط عناصر، می‌تواند بهترین معیار سنجش پیوستگی عناصر در متن شهر باشد (شعله، ۱۳۹۰، ص. ۲۴).

هر آنچه که از دید سازمان کالبدی بر متن محله اسلام آباد قابل رویت است شکل‌گیری بافت ریزدانه در استخوان‌بندی محله و عناصر پیوسته‌ای هستند که در محله توزیع شده و شامل عناصر بارز (کاربری‌هایی) است که در سایه سلسله مراتب شبکه معابر در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. در این میان کیفیت زمین (ریزدانگی) و عمر مفید بنای ساخته شده نیز از متغیرهای موثری هستند که بر کیفیت کاربری‌ها تأثیر می‌گذارند. انسجام متون دومین معیار متن است که به جنبه‌های معناشناسی شناخت متون اختصاص دارد (بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱). تحلیل انسجام به خواننده کمک می‌کند تا بتواند ارتباط محتوایی بین عناصر متن را بازشناسی نماید (لاینز، ۱۳۸۳، ص. ۶۰). می‌توان انسجام را با برخورداری از تعداد قابل قبولی از عناصر پرمحتوا، معنادار و غیرتکراری مترادف دانست که در ترکیب با سایر عناصر، به نوعی تقسیم در نقش و عملکرد دست‌یافته و بارمعنایی خود، هم به صورت واحد معنایی مستقل در تکمیل گستره معنایی و محتوایی قرار گرفته‌اند (شعله، ۱۳۹۰، ص. ۲۵). در محله اسلام آباد شامل ارتباط عملکردی عناصر ویژه (کاربری‌ها) نسبت به یکدیگر می‌باشد. ارتباطی که میان کاربران و صاحبان محله (به عنوان مثال کاربری‌های مسکونی، تجاری و...) جهت تامین نیازهای انسانی ایجاد شده است. منظور از اصطلاح پیام‌رسانی یا اطلاع‌رسانی در مفهوم نظریه اطلاع، مقیاس انتظار یا عدم انتظار، آشنایی و ناآشنایی در عناصر متن است (بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱، ص. ۱۰). به اعتقاد هالیدی و حسن، متن باید اطلاعات جدید داشته باشد؛ و اگر خواننده اطلاعات جدیدی از متن کسب نکند، چنین متنی از شایستگی مثبت برخوردار نیست (هالیدی و حسن، ۱۹۷۶، ص. ۳۶).

بسیاری از برداشت‌هایی که در قالب روایت‌های مبتنی بر تحلیل‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و... از متن به دست داده می‌شود، در واقع بازتابی از همان پیام مستتر در محله است. پیام‌رسانی در متن محله، به دو عامل حضور عناصری با کیفیت و انباشت لایه‌ها و اندوخته‌های معنایی و محتوایی در نتیجه گذشت تدریجی و بطیء زمان بستگی دارد (شعله، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). این ویژگی در محله اسلام آباد با پیام‌هایی است که محله را شایستگی می‌بخشند. چنانچه محله متناسب با کیفیت زندگی ساکنان طراحی شده باشد حامل پیامی مطلوب است و در غیراین صورت پیام ناشی از آن متفاوت خواهد شد. با ویژگی‌هایی چون دوگانگی و تضاد، نگرش‌ها، وضعیت زمین، ابهام در سرنوشت، تعارض منافع، عقب‌ماندگی، نادیده گرفته‌شدن، ضعف نظارتی و عدم امنیت شناخته خواهد شد. نیت ناشی از علائق،

1. Surface text  
2. Halliday & Hasan

نیازها و انتظارات کاربران زبان و تحلیل شرایط موقعیت است، و هدف آن هدایت موقعیت است. معیار نیت نشان‌دهنده ارتباط با شرایط مداخله‌ها و دخل و تصرف‌هایی است که در متن براساس ملاحظات، آیین‌ها، باورها و... معنا یافته است (همان، ص. ۲۶). این ویژگی در محله اسلام آباد انتظارات کاربرانی است که به واسطه سکونت در آن برای آنها ایجاد می‌گردد. انتظاراتی فراتر از دسترسی به خدمات، مسکن استاندارد، شبکه معابر مناسب و... است. انتظاراتی در جهت تغییر دیدگاه‌ها نسبت به ساکنان محله است. ویژگی‌هایی که به سبب سکونت در جهت خیرمشترک نه منافع شخصی، عدم تفاوت در ادعا و عمل و فاصله‌هایی است که میان کاربران حاکم می‌گردد. پذیرفتگی پنجمین معیار متن است که به نگرش گیرنده متن مربوط می‌شود تا متنی پیوسته و منسجم را دریافت کند (بوگرلند و درسلا، ۱۹۸۱، ص. ۸-۹). به عبارت ساده‌تر، زنجیره‌ای از جملات را زمانی می‌توان «متن» نامید که مخاطب آن را به منزله متن بپذیرد. معنای پذیرفتگی به منزله شناخت زبان غیرتخصصی شهروندان و مخاطبان و تلاش برای ایجاد زبان مشترک بین دانش تخصصی و عامیانه است (شعله، ۱۳۹۰، ص. ۲۷). این ویژگی به خصوصیات کاربران و غیرکاربران در محله اشاره می‌کند. غیرکاربران به سبب شناخت و ویژگی‌های آن، محله تحقق یافته را قبول ندارند و کاربرانی که به تجربه زیست در آن، سرنوشتی را پذیرفته‌اند و به واسطه آن براساس ویژگی‌هایی سعی دارند با افزایش بهبودی، اعتماد جمعی، روحیه مشارکت، امید، ارزشمند، مشروعیت و حس تعلق را به نمایش بگذارند. حال این پژوهش به تبیین معیارهای متن‌بودگی<sup>۱</sup> و گفتمان‌های مسلط در سکونتگاه‌های مساله‌دار خواهد پرداخت.

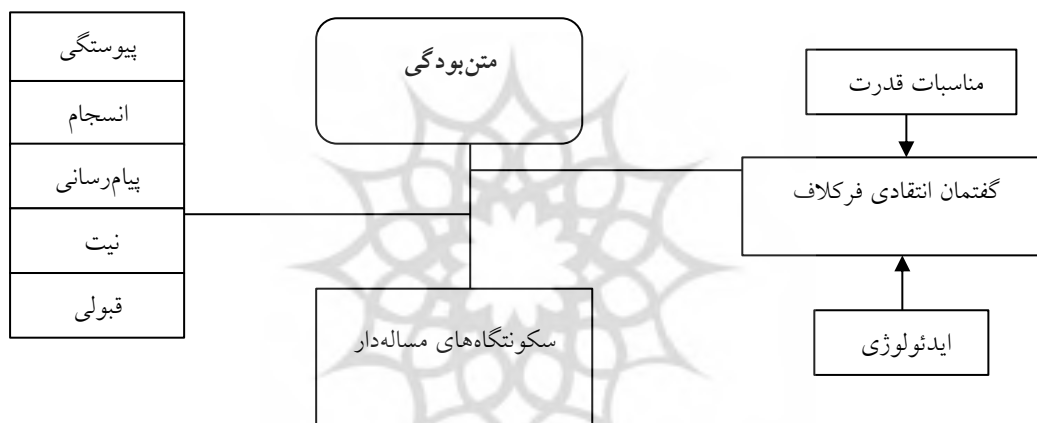
## ۲. روش شناسی

فرکلاف می‌گوید از آنجا که تحلیل گفتمان انتقادی، تحلیلی فرارشته است، بنابراین باید روش شناسی فرارشته‌ای نیز داشته باشد. او ترجیح می‌دهد تا به جای «روش» از «روش شناسی» استفاده کند، زیرا تحلیل گفتمان انتقادی را نه صرفاً به عنوان گزینش و به کارگیری روش‌هایی از پیش ایجاد شده، بلکه به عنوان فرآیند نظریه‌مدار برساختن ابژه‌های تحقیق برای موضوعات تحقیق، آن هنگام که خود را برای اولین بار به ما عرضه می‌کنند، می‌شناسد. در این پژوهش با توجه به اهداف و تناسب نیاز از سطح تبیین استفاده شده است. جامعه آماری شامل ساکنین محله اسلام آباد است. با توجه به تخصصی بودن موضوع و پیچیدگی تکنیک‌های تحلیل پرسشنامه، از جامعه متخصصین در قالب پنل دلفی استفاده شد. با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۵۰ نفر از متخصصین برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی (عمدتاً اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری و مدیران اجرایی شهر) در یک راند و عمدتاً پنل هترونیک<sup>۲</sup> به عنوان نمونه آهاری انتخاب گردید. در ادامه، ابتدا متن سکونتگاه‌های مسئله دار با توجه به ویژگی‌های متن‌بودگی

### 1. Textuality

۲. Homological - پنلی که از نظر ساختاری و شکلی یکسان اجرا شده اما از نظر عملکردی متفاوت بوده است.

بررسی شده، سپس برای بررسی تأثیر شاخص‌ها بر متن‌بودگی از مدل<sup>۱</sup> DPSIR و آزمون آماری تحلیل مسیر استفاده شده و در نهایت به پیوند تعلق گفتمانی این سکونتگاه‌ها به فرایندهای اجتماعی و نهادی پرداخته شده است. مدل فوق پنج عنصر اصلی دارد که از طریق آن‌ها، فرایندها و وضعیت محیط با عوامل انسانی و آثار ناشی از فعالیت‌هایی مانند نیروهای محرکه، فشارها، وضعیت، آثار و پاسخ‌ها مرتبط می‌شود. تطبیق محیط در مقیاس محله‌ای سبب انتخاب این مدل شده است. متن اسلام آباد شهر زنجان به عنوان یک محیط جغرافیایی در تقابل با فعالیت‌های انسانی ظهور و بروز یافته که نتایج ناشی از آن نشان از نابسامانی است. براساس مدل فوق زنجیره‌ای از ارتباطات علی میان مؤلفه‌های متن‌بودگی وجود داشته که از عوامل اصلی آغاز و با گذر از فشارها به وضعیتی منجر می‌شوند که اغلب پیامدهای آن آثاری است که بر نهادینه شدن و گفتمان‌های قدرتمندی است که در سکونتگاه‌های مساله دار حاکم می‌شود.



شکل ۱. مدل مفهومی و چارچوب ذهنی

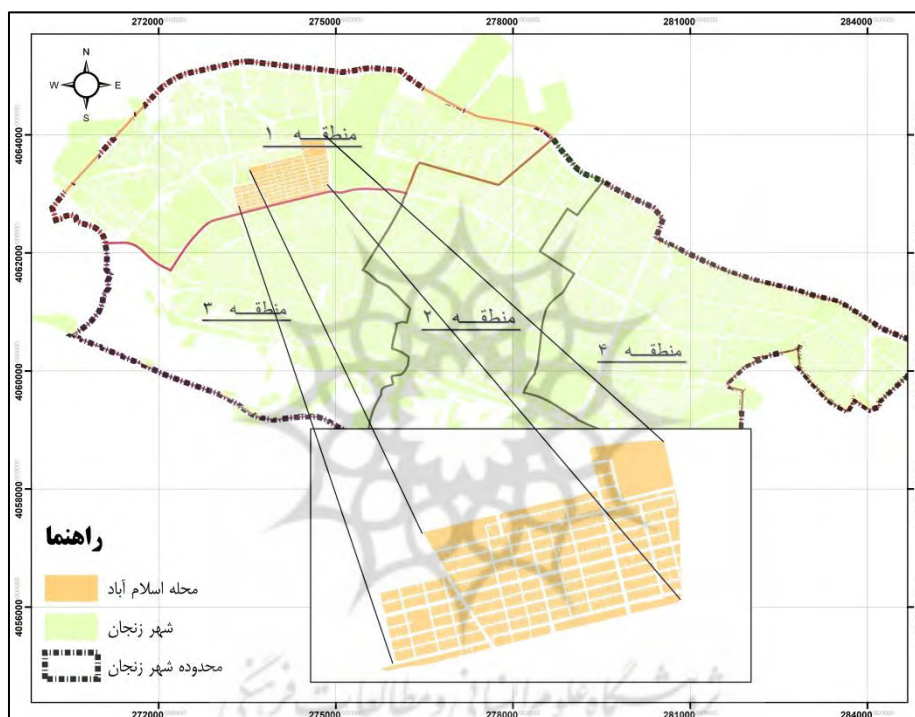
شهر زنجان به عنوان اولین و بزرگ‌ترین نقطه شهری استان با ۴۳۰۸۷۱ نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵، یکی از شهرهای میانه‌اندام کشور محسوب می‌شود. این شهر به چهار منطقه شهرداری تقسیم می‌شود که محله اسلام آباد از حیث سلسله مراتب تقسیمات کالبدی در منطقه یک با ۲۳۴۶۵ هزار نفر جمعیت در سرشماری ۱۳۹۵ و ۱۲۰ هکتار وسعت، در شمال غرب واقع شده است. این محله به عنوان یکی از محلات فرودست شهر زنجان، از نظر مدیریت شهری سکونتگاه غیررسمی خوانده می‌شود که ۷۱۲۴ خانوار با بعد ۳.۳ نفر در آن سکونت دارند (شهرداری زنجان، ۱۳۹۵).

۱. جامع‌ترین فرایند برای ساماندهی مطالعات و گزارش‌دهی وضعیت محیط است که توسط آژانس محیط زیست اروپا بکار گرفته می‌شود که ضمن دسته‌بندی روابط علی و معلولی بین عوامل را شناسایی می‌کند.

جدول ۱. ویژگی‌های عمومی محدوده مورد مطالعه ۱۳۹۵

شاخص	جمعیت (نفر)	مساحت (هکتار)	بعد خانوار	تعداد خانوار
شهر زنجان	۴۳۰۸۷۱	۶۱۶۰/۲۴	۳/۲	۱۳۲۴۶۹
محلہ اسلام‌آباد	۲۳۴۶۵	۱۲۰/۵۴	۳/۳	۷۱۲۴

مأخذ: (شهرداری زنجان، ۱۳۹۵)



شکل ۲. قلمرو پژوهش

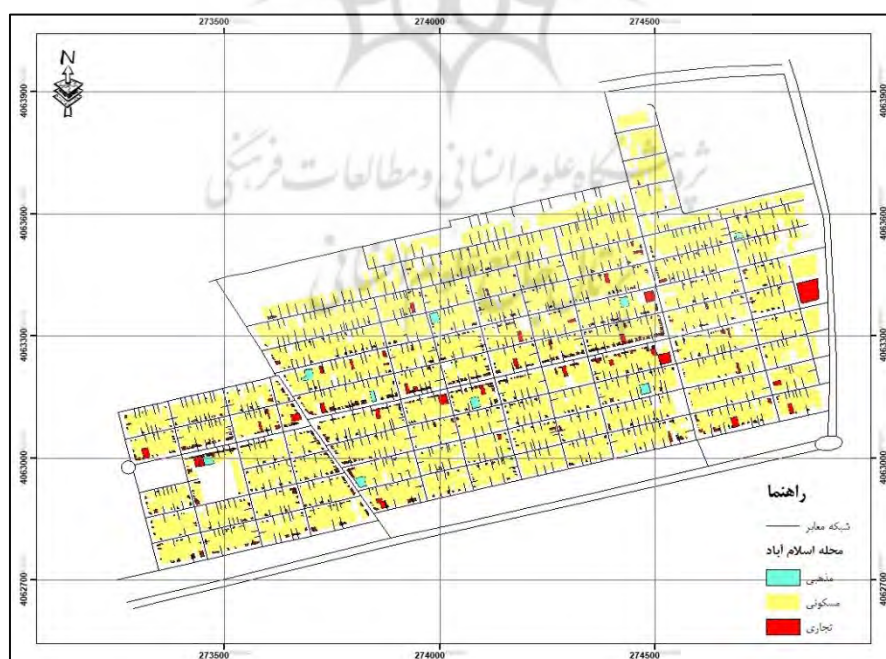
### ۳. یافته‌ها

#### ۱.۳. تبیین متن‌بودگی در سکونتگاه‌های مسالهدار محلہ اسلام‌آباد

در تعمیم متن‌بودگی به شهر می‌توان ویژگی‌های متن‌بودگی را که بدان پرداخته شد، مورد بررسی قرار داد. در این مرحله از پژوهش، معیارها در یک نمونه موردی به آزمون گذاشته می‌شود. به این معنی که با وارد شدن به عرصه متن‌بودگی یک سکونتگاه، که ترکیب کالبدی و کارکردی مختص به خود را داشته است، می‌توان به شرایط و ویژگی‌های معادل‌های متنی پی برد، و آنها را دستمایه تحلیل و متن‌بودگی شهر برای چنین پهنه‌ای قرار داد. پیوستگی و انسجام از مهمترین معیارهای متن‌بودگی هستند (بوگراند و درس‌لر، ۱۹۸۱، ص. ۳). به قول درس‌لر و بوگراند پیوستگی عاملی است که مؤلفه‌های روساختی متن را به یکدیگر پیوند می‌دهد و انسجام به جنبه‌های معناشناسی



شناخت متون اختصاص دارد. آنچه مسلم است، ریشه داری این نوع از شکل گیری سکونتگاه‌ها در نتیجه چیدمان عناصر و واژگانی است که هر یک در خود، واجد ویژگی بازترکیب عناصر است. از آنجایی که محله اسلام آباد فاقد عناصر با ارزش تاریخی است اما وجود مسجد که مرکز تمامی تصمیمات محله‌ای است، قابل توجه است. پیوستگی مطلوب، ناشی از طراحی شبکه معابر و استخوان بندی مناسب محله می باشد. اما از لحاظ شاخص های کالبدی این محله بسیار آسیب پذیر بوده و معمولاً با مصالح ساختمانی نامقاوم تولید شده است. گواه پیوستگی و انسجام متن سکونتگاه‌های مساله دار در قالب مفاهیمی چون "کیفیت ابنیه"، "سلسله مراتب شبکه معابر"، "عمر ابنیه" و "ابعاد زمین" بیانگر چیدمانی از ناپیوستگی است که اصطلاحاً "یک شبه" و "خودساخته" تولید شده است. آمارها و بررسی وضعیت میدانی نشان می دهد که تفکیک زمین در این محله عمدتاً ریزدانه و بین ۰-۱۰۰ مترمربع بوده و ۱۵ درصد از ملک‌ها نوسازی شده و عمدتاً با مصالح کم دوام و آسیب‌پذیر ساخته شده‌اند. از آنجا که پیوستگی با عناصر کالبدی و روساختی متن در ارتباط است، سازمان کالبدی متن بر پایه پیوند فضایی میان گذرگاه‌های اصلی (شهیدمدنی، شهیددستغیب، خیابان پادگان، بلوار ۲۲ بهمن، ...) شکل گرفته که واژگان اصلی متن را به هم متصل می کند. شکل شماره ۳ پیوستگی و انسجام واژگان اصلی در محله اسلام آباد را نمایش می دهد. از این منظر هم‌نشینی عناصر در مقابل کاربری مسکونی قابل تشخیص است که هر یک با پذیرفتن بخشی از کارکردهای تکمیلی محله در قالبی تکوین یافته و واجد ارزش و معناداری خاص را در خود محفوظ داشته‌اند. اما تقابل سایر ساختارهای زبانی سکونتگاه‌های مساله دار در متن شهر با مفاهیم متفاوتی معنا شده که آمال و خواسته‌های ساکنان را به نمایش می گذارد.



شکل ۳. پیوستگی و انسجام عناصر ویژه در محله اسلام آباد

عامل نیت متن نشانگر تمام ابزاری است که تولیدکنندگان متن به کار می‌برند تا اهداف خود را در متن دنبال کنند و تحقق بخشند. متن محله اسلام آباد از فرآیند تکوین متن شهر، با تغییرات ناگهانی و شتابزده، تخریب‌های بولدوزری و از میان رفتن بخشی از واژگان و ارتباط فضایی بین آنها مواجه بوده است. اما این محله تنها نمونه موفق از سکونتگاه‌های مسأله‌دار است که توانست از حاشیه به متن تبدیل شود. هدف از رشد چنین محله‌ای سکونت افراد فقیر و روستایی بوده و به دلیل موقعیت خاص تبدیل به منطقه‌ای مطلوب برای داد و ستد شد. اما به سبب محرومیت‌ها در حاشیه متن قرار می‌گیرد. بدین ترتیب با تغییرات سریع و سوء مدیریت‌ها متن سکونتگاه‌های مسأله‌دار تبدیل به اهداف بازیگران آنها گردید. حمایت‌های زبانی، تفاوت جایگاه‌های شهروندی، دسترسی‌های ضعیف به خدمات شهری نشانگر تسلط گفتمان‌هایی است که منافع شخصی را بر اهداف جمعی ترجیح داده و پیام ناشی از آنها عمدتاً طبیعی‌شوندگی در مفاهیمی چون "فاصله میان ما و آنان" و "فاصله ادعا و عمل" می‌باشد.

پذیرش متن و پیام رسانی ناشی از آن نیازمند ترکیب دانش عمومی و تخصصی است. آنچه که به عنوان سکونتگاه‌های غیررسمی در دانش تخصصی تلقی می‌گردد، در نظر دانش عمومی پناهگاهی جهت تحقق آرزوهای شهری شدن باشد. چنین وضعیتی در قالب مفاهیمی چون "دوگانگی و تضاد"، "زمین‌های تصرفی"، "ابهام در سرنوشت"، "تعارض منافع"، "عقب ماندگی"، "نادیده گرفته شدن"، "ضعف نظارتی" و "عدم امنیت" معنا یافته است. مفاهیمی که زبان از رازهای مستتر در متن‌بودگی را نمایش می‌دهد. تفاوت نگاه‌ها، اثبات مالکیت‌ها و ارائه سند زمین، محصول مدیریت شهری، استفاده ابزاری، عدم توان اعتراض، دیده نشدن‌ها و رسیدگی نکردن‌ها، عدم نظارت و استعداد آسیب‌پذیری اجتماعی از جمله موضوعاتی است که دانش/تجربه زندگی ساکنانی است که رشد یافته‌اند. علی‌رغم تمرکز کاربری‌های تجاری در خیابان‌های اصلی و عملکرد فرامحلی آنها (شهید مدنی و دستغیب)، دسترسی به خدمات آموزشی، بهداشتی، حمل و نقل، همجواری با محلات نسبتاً مناسب و... نشان از امید و بهبودی‌هاست. اما گذر از مرکز به پیرامون محله گواه چیزهای دیگری است. هر چند اقدامات اخیر توانمندسازی این محلات را نمایش می‌دهد اما گمان می‌رود عملکردها در جهت اهداف سوء مصرفی از جمعیتی است که بخاطر ترس از اخراج شدن شرایط را پذیرفته‌اند. پیام ناشی از این محلات در متن شهر عمدتاً پذیرش سرنوشت و زندگی با چنین وضعیتی است. فضاهایی که با فقر و عدم آگاهی شناخته شده و تلاش تحمیل‌گران در جهت طبیعی‌شوندگی و سرنوشت ابدی این سکونتگاه‌هاست.

## جدول ۲. نگاه خام نگارندگان و موضوعات استخراجی در متن سکونتگاه‌های مسأله‌دار

معیار	مفهوم	نگاه خام	موضوعات استخراجی
پیوستگی	کیفیت ابنیه	خودساخته، مصالح نامقاوم و شکننده (چوب، حلبی، گل و...)، ساخت و ساز بدون مجوز	دارای مجوزهای ساخت و ساز (پروانه ساخت)، ساکنان اغلب تجربه ساخت و ساز دارند (اغلب بقاء یا کاربرد هستند)، بناها از لحاظ کیفیت در وضعیت میدانی و آمار قابل نگهداری می‌باشند. به کارگیری مصالح مقاوم و

معیار	مفهوم	نگاه خام	موضوعات استخراجی
			مهندسی نظارت.
	سلسله مراتب شبکه معابر	کوچه و خیابان های نامنظم	رعایت سلسله مراتب شبکه معابر و به صورت شطرنجی
	عمر ابنیه	عمر بنا میانگین بین ۱۵ الی ۲۰ سال	اغلب عمر بنا ۲۵ سال می باشد اما بافت در حال نوسازی می باشد.
	کیفیت زمین	ابعاد کوچک و ریزدانگی	اغلب ریزدانگی قطعات در معابر با عرض کمتر رویت می گردد.
انسجام	ارتباط عملکردی عناصر ویژه	ارتباط عملکردی نسبتاً ضعیف عناصر ویژه (کاربری ها) در سطح محله	انسجام عملکردی و تمرکز محور تجاری با کارکرد فرامحله ای، مساجد به عنوان عنصر ویژه و محور ارتباطات و مراسمات مذهبی، رونق کسب و کار و فعالیت ها به دلیل تقاضای جمعیتی
	دوگانگی و تضاد	تفاوت نگاه ها نسبت به محلات، عدم صرف سود حاصل از فعالیت ها در محله	تفاوت نگاه های اجتماعی و فضایی، تفاوت های وضعیت اقتصادی قابل رویت است اما سود حاصل چه توسط ساکنان و چه غیرمیان به محله بازگشت داده نمی شود.
	نگرش ها	قانون گریز، بی نظم، تحصیلات کم، درآمد کم، تحمیل شده و اضافی، عدم وصلت اجتماعی با این افراد، عدم پذیرش به عنوان محله ای از شهر زنجان توسط برخی از افراد، پرجمعیت و فرهنگ روستایی.	افراد قانون مدار، قشر ضعیف و نسبتاً کم درآمد، افراد ارتقاء یافته و تحصیل کرده (فرزندان)، وصلت اجتماعی با سایر ساکنان محلات شهر، بهبود یافته و شناخته شده در شهر (به ویژه محور تجاری)
	وضعیت زمین	فاقد سندهای ثبتی و تصرفی، خرید و فروش قولنامه ای	دارای سندهای ثبتی، قولنامه ای و قابل معامله
پیام رسانی	ابهام در سرنوشت	به نظر می رسد این سکونتگاهها محصول ماندگار و بدون تغییر هستند	ابهام نسبت به آینده محله، ترس از تخریب، ترس از آینده فرزندان
	تعارض منافع	اغلب استفاده ابزاری و مصرفی برای اهداف خاص	استفاده های تبلیغاتی (اسلام آبادی)، ابزاری و مصرفی (توجهات و شعارهای انتخاباتی چون فرزندان اسلام آباد جهت اخذ رأی)
	عقب ماندگی	عدم توجه مدیریت شهری، عدم اعتراض، عدم مراجعه مردم	عدم پیگیری، ناآگاهی و عدم اعتراض
	نادیده گرفته شدن	دیده نشدن، فاقد موقعیت، رسیدگی نکردن	عدم مسئولیت پذیری، دارای موقعیت ویژه، فرصت دیده شدن وجود دارد.
	ضعف نظارتی	اینجا را همین جوری ول کرده اند، عدم نظارت بر ساخت و سازها	ضعف نظارت مدیریتی و اجرایی در محله
	عدم امنیت	جرم و جنایت بالاست، معتاد زیاد است	دارای امنیت برای ساکنان اما برای دیگران ناامن می باشد.

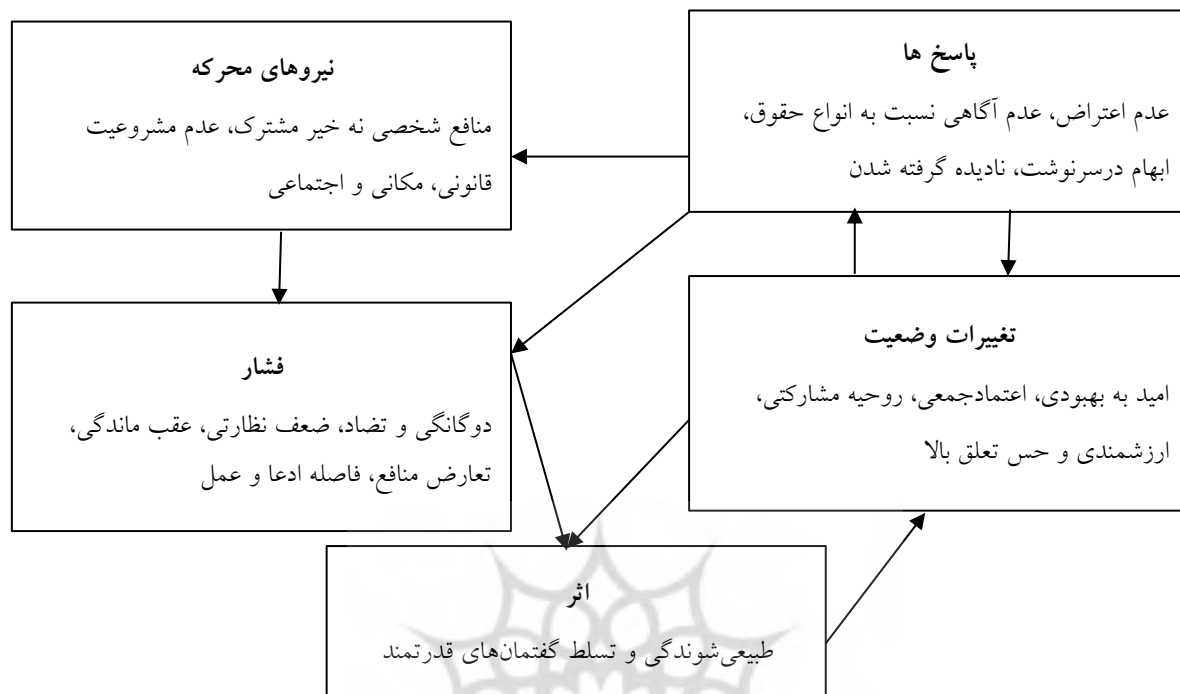
معیار	مفهوم	نگاه خام	موضوعات استخراجی
نیت یا هدفمندی	منافع شخصی نه خیرمشترک	تفاوت جایگاه شهروندان براساس دارایی‌ها و نوع شغل	تفاوت جایگاه‌ها نسبت به گذشته کمتر شده است اما هر کسی به فکر خودش است.
	فاصله ادعا و عمل	حمایت از این سکونتگاه‌ها فقط زبانی است	حمایت‌ها با توجه به جمعیت ساکن با ادعاها فاصله دارد. بودجه‌ها ناعادلانه توزیع می‌گردد اما عوارض نوسازی پرداخت می‌شود.
	فاصله میان ما و آنان	دسترسی به امکانات آموزشی، بهداشتی - درمانی، فضای سبز، حمل و نقل عمومی، رفاهی و تفریحی	دسترسی به امکانات در سطح محله وجود دارد.
پذیرفتگی یا قبولی	بهبودی	عمدی بودن عدم بهبودی این سکونتگاه‌ها، توانایی و امید به تغییر، ضعف و ناتوانی	ناآگاهی نسبت به انواع حقوق، توانایی‌ها، رای به افراد لایق
	اعتماد جمعی	جمع شدن برای بهبودی وضعیت محله، اعتماد مردم به یکدیگر، عدم اعتماد به دولت و مدیریت شهری	اعتماد ساکنین به یکدیگر بیشتر است. روابط همسایگی همچنان به رونق خود باقی است.
	روحیه مشارکت	شرکت در گردهمایی‌ها، مشارکت در امور محله، اینجا را ما درست کرده‌ایم	حضور در گردهمایی‌ها و مشارکت در امور محله همچنان رویت می‌گردد.
	امید	امید به ارتقاء محله توسط مدیریت شهری و مردم، همین جا می‌مانیم، به محلات دیگر مهاجرت می‌کنیم، ماندن فایده‌ای ندارد.	امید به تغییر و ماندن توسط بعضی ساکنین و مهاجران جدید، چه امیدی می‌ماند وقتی نماینده شورای شهر محل سکونت خود را از اسلام آباد به سایر محلات تغییر می‌دهد.
	ارزشمندی	ارزش سرمایه‌گذاری اقتصادی، ارتقاء شهر، اعتماد به نفس بالا و تأثیرگذاری	ارزشمندی سرمایه‌گذاری اقتصادی نه برای محله و ساکنین بلکه برای افراد غیربومی و ثروتمند
	مشروعیت	عدم مشروعیت قانونی و مکانی برای دولت و مدیریت شهری	مشروعیت قانونی و مکانی اما ضعف نظارت و رسیدگی
	حس تعلق	اینجا آرامش داریم، تمام دوران زندگیم در این محله گذشته است	اگر وضعیت اقتصادیم خوب شود از اینجا می‌روم. ضعف حس تعلق جوانان، حس تعلق بالا سالخورده‌گان

### ۲.۳. روابط میان مؤلفه‌های متن‌بودگی سکونتگاه‌های مساله‌دار محله‌ی اسلام آباد

تأثیر مؤلفه‌های متن‌بودگی سکونتگاه‌های مساله‌دار در بافت شهری متفاوت می‌باشند. به نظر ممکن است در ابتدا مؤلفه‌های پیوستگی و انسجام در متن‌بودگی تأثیر بسزایی داشته باشند و در ادامه تأثیر مؤلفه‌های پیام‌رسانی، نیت یا هدفمندی و پذیرفتگی بر این سکونتگاه‌ها موثر باشند، اما تأثیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک قابل بررسی است. از جمله مدل‌هایی که بر مبنای زنجیره‌ی علی-معلولی به ارتباط مؤلفه‌ها می‌پردازد؛ مدل DPSIR می‌باشد. در این مدل

مؤلفه‌های مختلف براساس تقدم و تاخر آنها و با استفاده از مدل نیروی محرکه<sup>۱</sup>، فشار<sup>۲</sup>، وضعیت<sup>۳</sup>، اثر<sup>۴</sup> و پاسخ<sup>۵</sup> تبیین می‌گردند. ترجیح منافع شخصی، عدم مشروعیت قانونی، مکانی و اجتماعی از مهمترین شاخصه‌های موثر و نیروی محرکه طبیعی شونده‌گی و تسلط گفتمان‌های قدرتمند در سکونتگاه‌های مساله‌دار می‌باشد. چنانکه هال و اولریچ اشاره می‌کنند این مسئله در بعد سیاسی تشدید می‌شود و باعث محرومیت از بسیاری از حقوق مدنی می‌شود. در حقیقت مشکل کار با دو پدیده عمیق‌تر مربوط می‌شود: محرومیت سیاسی و محرومیت اجتماعی، که این محرومیت کنار ماندن از جریان اجتماعی و نبود امید به پیوستن جریان فراگیر ارتقا است (هال و الریچ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۰، ص. ۲۳). اما غیررسمی و تصرفی تلقی کردن آنها، انتخاب مطلوب تهیدستان شهری نیست، بلکه به تعبیری بدیلی است برای فشارها و اضطراب‌های حاصل از ساختارهای رسمی است (بیات، ۱۳۷۹، ص. ۳۳). تأثیر افعال دوگانگی و تضاد، تعارض منافع، ضعف نظارتی و فاصله ادعا و عمل بر این سکونتگاه‌ها محسوس می‌باشد اما علی‌رغم امید به بهبودی، دارای روحیه مشارکتی و حس تعلق بالا، پاسخ‌ها عمدتاً در قالب مفاهیمی چون ابهام در سرنوشت، نادیده گرفته شدن، عدم اعتراض و عدم آگاهی نسبت به انواع حقوق منعکس شده که با وضعیت استاندارد مناسب نیست. مشکل اصلی این سکونتگاه‌ها عدم دسترسی به خدمات می‌باشد. این فضاها فارغ از دوگانگی‌ها، انواع بازبچه‌ها و تعارضات، نشانگر امید به بهبودی، اعتماد جمعی، روحیه مشارکتی، ارزشمند و حس تعلق بوده‌اند. رضایت از زندگی و کم توقعی همین عوامل سبب شده علی‌رغم فشارهای منفی، وضعیت مثبت حاصل گردد. آنچه که برنامه سازمان ملل متحد<sup>۷</sup> تحت عنوان مفهوم توسعه انسانی پایدار ارائه کرده، واکنشی به این مسائل از منظر توسعه انسانی پایدار بود که بر مفاهیمی چون دسترسی برابر به فرصت‌ها و مسئولیت در برابر نسل‌های آینده و ایجاد فضای اجتماعی قابلیت‌زا و بسط انتخاب‌های انسانی تاکید دارد (ایراندوست به نقل از سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۸۸، ص. ۳۱-۳۰). اگرچه برای نسل اول مهاجران ساکن این سکونتگاه‌ها با توجه به بهبود هر چند اندک در مقایسه با شرایط زندگی در روستا یا محله‌های مرکزی شهر چندان آزاردهنده نبوده، اما نسل دوم و سوم با توجه به عمیق‌تر شدن شکاف اجتماعی برداشت متفاوتی از شرایط دارند. معمولاً نسل جدید به عنوان یک ساکن شهر انتظار برخورداری از شرایط زیست مناسب را دارد که شهر از تامین آن ناتوان است؛ به همین دلیل است که درخواست‌های نسل‌های بعدی با وجود تبعیض و نابرابری همواره زمینه بروز اغتشاشات شهری را فراهم می‌آورند (صرافی، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۸).

- 
1. Driving forces
  2. Pressures
  3. State
  4. Impact
  5. Responses
  6. Hall & Ulrich
  7. United Nation

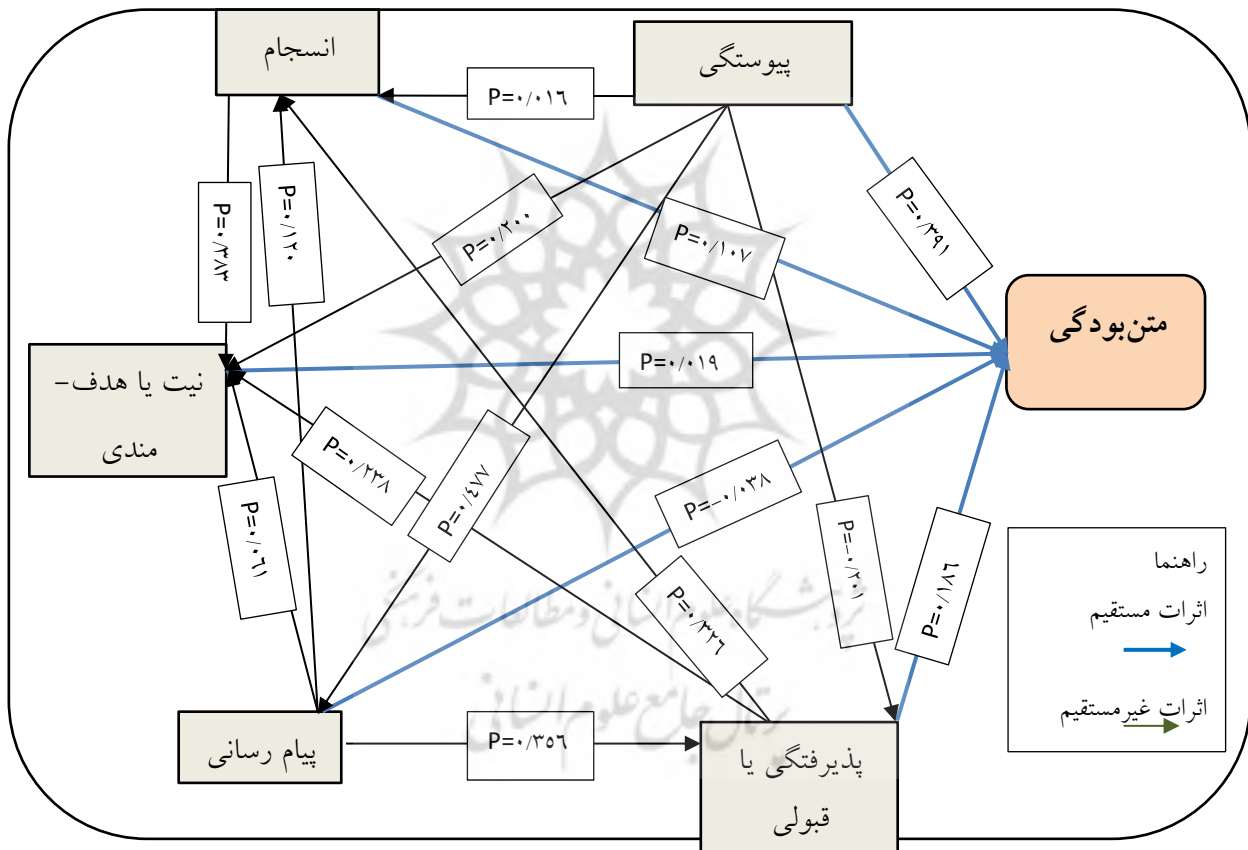


شکل ۴. مولفه‌های متن‌بودگی سکونتگاه‌های مسالهدار در قالب مدل DPSIR

از لحاظ سنجش تأثیر چشمگیری مؤلفه‌ها از آزمون تحلیل مسیر استفاده شد. در ابتدا تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌ها نسبت به متن‌بودگی (اثر مستقیم) و سپس نسبت به یکدیگر (اثر غیرمستقیم) با توجه به مقدار حاصل شده مورد بررسی قرار می‌گیرند. در بررسی تأثیر مستقیم شاخص‌ها نسبت به متن‌بودگی، شاخص انسجام با ۰/۱۰۷، شاخص پیوستگی با ۰/۳۹۱، شاخص پذیرفتگی یا قبولی با ۰/۱۸۶، شاخص پیام‌رسانی با ۰/۰۳۸ و شاخص نیت یا هدف‌مندی با ۰/۰۱۹ تأثیر دارند. در مرحله بعد در بررسی اثر غیرمستقیم شاخص‌ها نسبت به یکدیگر و در نهایت بر متن‌بودگی، شاخص انسجام با ۰/۳۸۳، شاخص پیوستگی با ۰/۰۰۳، شاخص پذیرفتگی یا قبولی با ۰/۰۷۷، شاخص پیام‌رسانی با ۰/۰۲۶ تأثیر دارند. تحلیل جدول ۳ گویای آن است که شاخص نیت یا هدف‌مندی به طور غیرمستقیم بر متن‌بودگی تأثیرگذار نبوده است. با در نظر گرفتن مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های انسجام، پیوستگی، پذیرفتگی، پیام‌رسانی و نیت یا هدف‌مندی به ترتیب بیشترین تا کمترین تأثیر را در متن‌بودگی سکونتگاه‌های مسالهدار دارند. در نهایت جهت بررسی دقیق نگارندگان اقدام به آزمون مدل نظری و استخراج مدل تجربی پرداخته‌اند که در شکل ۵ ارائه شده است.

جدول ۳. تأثیر مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های متن بودگی

شاخص‌ها	انواع تأثیر	
	مستقیم	غیرمستقیم
پیوستگی	۰/۳۹۱	۰/۰۰۰۳
انسجام	۰/۱۰۷	۰/۳۸۳
پذیرفتگی یا قبولی	۰/۱۸۶	۰/۰۷۷
پیام‌رسانی	-۰/۰۳۸	۰/۰۲۶
نیت یا هدف‌مندی	۰/۰۱۹	-



شکل ۵. مدل تجربی شاخص‌های موثر بر متن بودگی سکونتگاه‌های مسالوده دار

## ۳.۲. تعلق‌گفتمانی متن سکونتگاه‌های مسالوده دار محله اسلام آباد

فرکلاف در تبیین، به دنبال بیان شالوده اجتماعی و نظریات اجتماعی است که در شکل‌گیری گفتمان‌ها نقش دارند. به عبارت دیگر، هدف از مرحله تبیین، توصیف گفتمان به عنوان بخشی از یک فرایند اجتماعی است. فرکلاف در توضیح مرحله تبیین نشان می‌دهد که «گفتمان‌ها چه تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر ساختارها بگذارند، تأثیراتی که

منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۵). با توجه به پرسش پژوهش که عبارت است از: "مؤلفه‌های متن‌بودگی در سکونتگاه‌ها مسأله‌دار (محلّه اسلام آباد شهر زنجان) چگونه بوده است؟ و این سکونتگاه متأثر از چه گفتمان‌هایی است؟"، پس از آن که وضعیت مؤلفه‌های متن‌بودگی در سکونتگاه‌ها مسأله‌دار (محلّه اسلام آباد شهر زنجان) مشخص شد، اکنون باید به بخش دوم پرسش پژوهش - "این سکونتگاه متأثر از چه گفتمان‌هایی است؟" پرداخته خواهد شد. فرکلاف در مرحله تبیین اضافه می‌کند که «تأثیرات اجتماعی گفتمان و عوامل اجتماعی تعیین‌کننده‌ی گفتمان می‌بایست در سطح اجتماعی و نهادی تحقیق و بررسی شوند. این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای نهادی تعلق دارند؟ این گفتمان‌ها به کدام فرایندهای اجتماعی تعلق دارند؟

در پاسخ به پرسش اول باید گفت که چارچوب نهادی سکونتگاه‌های مسأله‌دار شامل گفتمان‌های نسبتاً پیچیده و گسترده‌ای هستند. چرا که متن آنها محل تقاطع نهادهای متعددی است که هر کدام نقش بسزایی در این سکونتگاه‌ها داشته‌اند. یعنی منازعه میان قدرت نرمال نهادهای موجود و گروه‌های فاقد قدرت است. آنچه از تقابل گفتمان‌های برجسته در سطح ساختاری (دولت)، میانی (مدیریت شهری) و محلی (مردم) یاد می‌شود، عرصه رقابتی است که غلبه گفتمان‌های ساختاری و میانی بر گفتمان محلی را نشان می‌دهد. منظور از آن، غلبه گفتمان‌های مستقل و غالب بر گفتمان مغلوبی است که محل زندگی آنها بوده و مستقیماً در کیفیت زندگی آنها تأثیرگذار است. در این رابطه، عده‌ای سرمایه‌داران سودجو، با نادیده گرفتن ضوابط شهرسازی و پرداخت جریمه، اقدام به خرید و فروش و ساخت واحدهای مسکونی با مترآژ پایین و تفکیک و قطعه‌بندی واحدهای بزرگ‌تر، جهت رسیدن به حداکثر سود نموده‌اند. دولت در سطح بعدی که بالاترین سطح مدیریتی است تحت تأثیر سیاست‌های کلان، گفتمان مسلط را طبیعی جلوه داده و مدیریت محلی به عنوان بخش مغلوب و اهرم موثر، تحت تأثیر حقایق پنهان بواسطه ناآگاهی، عدم تناسب درآمد و هزینه‌های مسکن و ساخت و ساز غیرقانونی، نقش قابل توجهی در این سکونتگاه‌ها داشته‌اند. در پاسخ به پرسش دوم باید گفت که این سکونتگاه‌ها بخشی از فرایند اجتماعی هستند. این سکونتگاه‌ها در جریان بی‌مدیریتی‌ها و شهرنشینی سریعی که در کشورهای در حال توسعه اتفاق افتاد ظهور یافتند. اما در مناسبات سرمایه‌داری جامعه امروز، در این سکونتگاه‌ها قدرت تسلط گفتمان‌های ساختاری و میانی بر سایر گروه‌های اجتماعی است. در نتیجه رابطه میان آنها از نوع مناسبات سلطه‌گرایانه و اقتدارآمیز است. گفتمان‌هایی که با تسلط در مقیاس بالاتر، جهت مشروعیت خود به آنها نیازمند است اما هم‌چنان بر کاهش فقر و سرنوشت مبهم آنها در آینده بی‌تفاوت است. در حالی که گفتمان مغلوب در پی توانمندسازی و منطبق‌سازی با شرایط شهر داشته اما در مواجهه با شرایط زندگی خود و مشاهده نادیده گرفته شدن‌ها، منافع شخصی، تضاد و ناعدالتی‌ها سست می‌شوند.

#### ۴. بحث

با کمک نظریه فرکلاف می‌توان پرکتیس‌های گفتمانی و نظریه‌های کلان اجتماعی را که در تولید متن نقش دارند شناسایی کرد و به آگاهی زبانی انتقادی دست یافت. سکونتگاه‌های مسأله‌دار به عنوان متن تولید شده در شهر و برآیند



گفتمان‌های مختلف نشانگر نظم مکنون نظریه‌های کلان اجتماعی در فضا سازی است. یافته‌های این تحقیق با نتایج مطالعات تولایی و همکاران (۱۳۹۳)، رفیعیان و کیانفر (۱۳۹۸)، سلیمانی و همکاران (۱۳۹۸)، زمانی و همکاران (۱۳۹۹)، احدنژاد و همکاران (۱۴۰۰)، مشکینی و همکاران (۱۴۰۰)، در ارتباط با آشفتگی‌های ساختاری، کالبدی، اقتصادی، فرهنگی و... در سکونتگاه‌های غیررسمی و مسأله‌دار همسو می‌باشد. اما آنچه موضوع سکونتگاه‌های مسأله‌دار با ابعاد نظریات فرکلاف سازگاری داشته، آگاهی‌سازی نسبت به قدرت جمعی و خود-اداره‌گری است. زیرا فضای محسوس دولت/مدیریت شهری فاصله زیادی با فضای زیستی این سکونتگاه‌ها دارد. اقدامات دولت/مدیریت شهری، منفعلانه و تلاش در جهت قبولاندن چنین سرنوشتی است که امکان رشد ندارند. گذشته از انسجام و پیوستگی عناصر روستا ساختی در این محله، اغلب نارضایتی‌های حاضر تنها نسبت به دسترسی به خدمات می‌باشد تا نسبت به تسلط در قالب مفاهیمی چون فقر، سوء استفاده‌های انتخاباتی، وعده‌های توانمندسازی، سرنوشت مبهم، منفی‌گرایی، محدودیت‌ها و اصطلاحاً "اسلام آبادی" است.

#### ۵. نتیجه گیری

در این پژوهش سعی شد به تبیین متن سکونتگاه‌های مساله دار شهری (نمونه موردی محله اسلام آباد شهر زنجان) پرداخته شود. عناصر روستا ساختی و معناشناختی نشان از تفاوت آنها در متن شهر داشته که تأثیر شاخص‌های پیوستگی و انسجام بر متن بیشتر از سایر شاخص‌ها بوده است. تأثیرات تصمیمات و عملکرد مدیران شهری، دلالت و افراد غیربومی در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که ذهنیت ساکنان نسبت به برخوردها در سال‌های قبل تفاوت داشته اما آنچه بیش از پیش به چشم می‌آید در قالب مفاهیمی چون نادیده گرفته شدن، ابهام در سرنوشت، فاصله ادعا و عمل، تعارض منافع، دوگانگی و تضاد، منافع شخصی نه خیرمشترک در ذهن ساکنان معنا یافته و بر طبیعی‌شوندگی این مفاهیم در متن سکونتگاه‌ها افزوده است. در تعلق گفتمانی مدیریت محلی به عنوان بخش مغلوب و اهرم موثر، تحت تأثیر حقایق پنهان بواسطه ناآگاهی، عدم تناسب درآمد و هزینه‌های مسکن و ساخت و ساز غیر قانونی، نقش قابل توجهی در این سکونتگاه‌ها داشته‌اند. دسترسی به انواع حقوق سبب بسط و گسترش توانائی‌های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی، تقویت حس اعتماد به نظام مدیریت شهری، ایجاد عدالت در برخورداری از فرصت‌ها و امکانات، ساماندهی و یکپارچه‌سازی امور شهروندان، تقویت ساختار شهروندی از طریق استقرار نظام حقوق تکالیف بین شهروندان و مدیران شهری، مشارکت‌جویی و افزایش میزان اثرگذاری شهروندان در بهبود امور شهری، تقویت بینش زندگی جمعی و احترام به نیازهای جمعی در مقابل فردگرایی، بستر سازی تعاملات هدفمند اجتماعی به عنوان مهمترین ابعادی است که در فرایند آگاهی سازی و خود-اداره‌گری موثر می‌باشند.

## کتاب‌نامه

۱. احدنژادروشتی، م.، حیدری، م.ت.، و نجفی، س. (۱۴۰۰). تحلیل انتقادی بر عملکرد بازیگران شهری در تولید متن سکونتگاه‌های مسالهدار شهری (مورد پژوهی: محله اسلام آباد شهر زنجان). *نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی*، ۲۵(۷۸)، ۲۰-۱.
۲. آقاگل‌زاده، ف.، و افخمی، ع. (۱۳۸۳). زبان شناسی متن و رویکردهای آن. *زبان شناسی*، ۱۹(۱)، ۸۹-۱۰۳.
۳. ایراندوست، ک. (۱۳۸۸). سکونتگاه‌های غیررسمی و اسطوره‌های حاشیه‌نشینی. چاپ اول، بهار. تهران: شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری (وابسته به شهرداری تهران).
۴. بیات، آ. (۱۳۷۹). *سیاست‌های خیابانی*. ترجمه سید اسدا... نبوی چاشمی، تهران: نشر شیرازه.
۵. تولایی، ر.، اعظمی، م.، و ایراندوست، ک. (۱۳۹۳). شاخص‌های تعریف و تعیین سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران. *مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای*، ۶(۲۱)، ۶۰-۴۳.
۶. رفیعیان، م.، و کیانفر، آ. (۱۳۹۸). فهم فضاهاى خاکستری شهری: جایگاه قدرت در مناسبات تولید سکونتگاه‌های غیررسمی شهری (مورد: شهرک رضویه تهران). *نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی*، ۲۴(۱)، ۱۶-۵.
۷. زمانی، ب.، نصری، س.، و مسعود، م. (۱۳۹۹). خوانش و سنجش بافت شهر/محله به مثابه متن. *مطالعه موردی: محله تاریخی سرتپوله سنندج*. فصلنامه علمی مرمت و معماری ایران، ۱۰(۲۱)، ۶۲-۴۵.
۸. سلیمانی، م.، مشکینی، ا.، شیخی، م.، و امیرحاجلو، ا. (۱۳۹۸). تحلیل آثار سیاست‌های جهانی بر غیررسمی شدن فضای شهری (مطالعه موردی: کشورهای جنوب). *پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۱۵(۳)، ۵۳۱-۵۵۰.
۹. شعله، م. (۱۳۹۰). *بازآفرینی متن شهر با رهیافتی زیباشناختی*. رساله دکتری، تهران: دانشکده شهرسازی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
۱۰. شهرداری زنجان. (۱۳۹۵). *آمارنامه شهر زنجان*. زنجان: شهرداری زنجان. [www.Zanjan.ir](http://www.Zanjan.ir)
۱۱. صرافی، م. (۱۳۸۲). *بازنگری ویژگی‌های اسکان خودانگیخته در ایران، در جستجوی راه کارهای توانمندسازی*، در حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی (مجموعه مقالات). جلد دوم، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
۱۲. فرکلاف، ن. (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه فاطمه شایسته پیران، شعبان علی بهرام پور، رضا ذوقدرا مقدم، رامین کریمیان، پیروز ایزدی، محمود نیستانی، محمد جواد غلامرضا کاشی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
۱۳. لاینز، ج. (۱۳۸۳). *مقدمه ای بر معناشناسی زبان شناختی*. ترجمه حسین واله، تهران: گام نو.
۱۴. محسنی، م. (۱۳۹۱). *جستاری در نظریه و روش تحلیل گفتمان فرکلاف*. *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ۳(۳)، ۸۶-۶۳.
۱۵. مشکینی، ا.، احدنژادروشتی، م.، و نجفی، س. (۱۴۰۰). واکاوی نظم مکنون مدیریت قدرت در تولید متن/ فضا از منظر گفتمان انتقادی (مورد پژوهی: محله اسلام‌آباد شهر زنجان). *پژوهش‌های جغرافیای برنامه‌ریزی شهری*، ۹(۴)، ۹۰۹-۹۳۱.

16. Fairclough, N. (1993.) Critical Discourse Analysis and the Marketization of Public Discourse, the universities. *Discourse and Society*, 4(2), 133-168.
17. Baker, P., & Ellece, S. (2011). *Key terms in discourse analysis*. A&C Black.
18. Bhaskar, R. (1989). *Reclaiming reality: A critical introduction to contemporary philosophy*. London: Routledge.
19. Bhatia, V.K. & Flowerdew, J. & Jones, R. H. (2007). Approaches to Discourse Analysis, PP:1-17.
20. Blommaert, Jan (2005). *Discourse: A Critical Introduction*. Cambridge and New York: Cambridge University Press.
21. De Beaugrande, R. A., & Dressler, W. U. (1981). *Introduction to text linguistics (Vol. 1)*. London: Longman.
22. Fairclough, N. (1989). *Language and power*. New York: Longman.
23. FAIRCLOUGH, N. (1992). *Discourse and SocialChange*. London: Polity Press.
24. Fairclough, N. (2000). *New Labor New Language?* London: Routledge.
25. Fairclough, N. (2010). *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*. London: Longman.
26. Hall, P., & Ulrich, P. (2000) .*Urban future 21, A Global Agent for Twenty- first Century Cities*. London: E&FN Spone.
27. Halliday, M. A. K., & Ruqaiya, H. (1976). *Cohesion in English*. London: Longman.
28. Resende, V.M. (2009). Análise discursiva crítica do uso de metáforas em uma interação etnográfica no Movimento Nacional de Meninos e Meninas de Rua. [Critical discourse analysis of the use of metaphors in an ethnographic interaction in the national street children's movement] *Revista da ABRALIN* 8, 125-148.
29. Sheyholislami, J. (2004). Critical Discourse Analysis. Available <http://www.carleton.ca/cda.htm>.
30. Titscher, S., Meyer, M., Wodak, R., & Vetter, E. (2000). *Methods of Text and Discourse Analysis*. London: Sage.
31. Van Dijk, T. A. (1998). *Critical Discourse Analysis, to appear in Tannen. D. & Schiffrin, D. & Hamilton, H. (Eds). Handbook of Discourse analysis (in preparation), PP.352-371.*
32. Wodak, R. (2002). Aspects of Critical Discourse Analysis. *Azfal*, 36, 5-31.
33. Wodak, R., & Meyer, M. (eds.) (2003). *Métodos de Análisis Crítico del Discurso. [Methods for critical discourse analysis]* (Trad. T. Fernández y B. Eguibar). Barcelona: Gedisa.